

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

تیمور شاه تیموری
المان – هشتم سپتمبر 2011

خطاب به زهای محبوس

ای خانمها، زنها، و یا بانوانی که در زندان ارگ شاهی، تعمیرهای وزیر اکبرخان و شهرکهای جدیدالتعمیر و غیره جاها محبوس هستید به محبوس بودن و سلب آزادی تان پی برده اید و یا خیر؟ هرگاه از نهایت گیچی و سراسیمگی پی نبرده اید من بشما اذعان میکنم که محبوس هستید. شما پرندگانی هستید که در قفسهای طلانی دربند باشند. نسبت بشما به مراتب حال آن زنی بهتر است که به عرق جبین، توان بازو و نور چشم کار میکند و شبانه قرص نانی بنزد اولادهایش میگذارد تا سد جوع نمایند. حال او بهتر است چرا که آزاد است و کار میکند. نان خشکی را که با یک جرعه چای شیرین با لذت در حلقوم فرومیبرد لذتش برای او بمراتب بیشتر است از مرغ پلاوی که تو بی اشتها و با نفرت بدهن میگذاری. تو اشتهای آن زن کارگر را نداری زیرا چند ساعت قبل ناشتای مفصلی صرف کرده ای و برای غذاهای مابعد تو حرکتی نداشته ای که اشتها و رغبت به خوراک بار آورد. همچنین خواب و تفریحات مداوم برای تو بی ارزش است زیرا خداوند برایت زندگی بیحرکت و یکنواخت نصیب کرده است. اما آن زن فقیر از همه چیز حظ میبرد. هرگاه از اثر زحماتی که میکشد روزی بتواند پارچه گوشتی در دیگ بیاندازد برایش عید است. در حالی که از عید نیز جز اینکه دیگران ترا ستایش کنند بهره ای نمیبری. شوهران شما درباره شما از بی عدالتی کار میگیرند. آنهایی که در ظاهر از حقوق زنها و دفاع از آزادی زنها تظاهر میکنند، در حقیقت مخالف آزادی زنها و زن ستیز اند. به زن و آزادی زن نه اینکه اهمیت قائل نیستند بلکه زن را جزء وسائل و اسباب خانه می پندارند. چرا؟ برای اینکه هرکسی خوش دارد آنچه خوب و طرف پسندش باشد به خانه و فامیل خود تقدیم کند. اگر اینها آزادی زنها را می پسندیدند پس چرا به خانم و اولاد خود تقدیم نمیکنند؟ به همه معلوم است که در دو مرتبه ای که در افغانستان پس مانده آزادی زن مثل یک نعمت آسمانی نزول کرد، شروع و آغازش از فامیل زمامداران وطن پرست و ملت پرست آن زمانه ها بوده است.

امروز که بعد از مرور دوره تاریک طویل المدت، بازهم گویا صدائی از حقوق زن و آزادی زن بلند میشود، صرف تظاهر سمبولیک و نمونه ئی میباشد. مقرری یک زن در وزارت صحتیه و چند زن معدود در پارلمان و بعضاً تعداد انگشت شماری در مجالس رسمی بطور نمایشی دیگر زنی بکدام کاری دیده نمیشود، گیریم که تعداد همه این زنها به دوصد و شست

نفر بالغ شود که نخواهد شد. در مقابل تقریباً سیزده میلیون زن افغانستان از هر میلیون صرف بیست زن طور نمونه در مرکز فعال و نیمه فعال هستند. آیا میتوانیم بگوئیم که آزادی زن درین مملکت حکمفرما است؟ آیا ما گفته میتوانیم که زنها در هرات دومین ولایت بزرگ مملکت بعد از کابل آزاد و دارای حقوق حقه خود هستند؟ بلی در صورتی که خودسوزی زنان آن ولایت را که روز به روز و سال به سال افزون شده میرود در نظر نگیریم و ضجه و ناله زنان بدبخت آن جا را ناشنیده بگیریم و بدبختی فامیل‌های شانرا خوش بختی تصور نمائیم و زنان و دخترانی که در ولایات بلخ و بدخشان طعمه ماهیهای دریای آمو شده اند در حال شنا فکر کنیم. و دختران و زنانی که مورد تجاوزات جنسی قرار گرفته اند و یا آنانی که طرف آزار و شکنجه شوهران و برادران شان قرار گرفته گوش و بینی شان بریده شده امر عادی فکر کنیم که امر عادی شده است. و یا آنانی که با سگ مبادله شده و یا در بدل پول فروخته شده اند. خواهران داخل قصرها ازین احوال خواهران تان حتماً خبر دارید و اگر خبر نیستید، آگاهانه به اطراف تان نظر اندازید و برای مشکل خود و خواهران تان راه و چاره بیاندیشید و اگر تصمیم بگیرید شاید قدرتی جهت حل بعضی از مشکلات بدست بیاورید. والسلام!